اذا سألک عبادی عنّی فانی قریب:

توسّل؛شرط کمال دعا

- اذا سألک عبادی عنّی فانی قریب: توسّل؛شرط کمال دعا
- آیه شریفه؛تمامیت اقتضاء ای تمامیت انجاز؟
  - آیه شریفه؛تمامیت اقتضاء ای تمامیت انجاز؟
  - یک مثال:
  - تطبیق مثال بر آیه شریفه

اذا سألک عبادی عنّی فانی قریب: توسّل؛شرط کمال دعا

اذا سألک عبادی عنّی فانی قریب: توسّل؛شرط کمال دعا[1]

يا الله

سلام عليكم و رحمة الله

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

وَ إِذا سَأَلَكَ عِبادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ

و الله که همین یک ایه ما را بس است

با عنایت به ایه شریفه،در این تاپیک فقط الله تعالی را میخوانیم چرا که فقط اوست قریب و فقط اوست مجیب الدعوات .

يا الله ارحم عبدک الضعيف الذليل الحقير المسكين المستجير

ای الله[2]

خداوند؛پرکننده تمامی خلأها

خدای متعال شاهد است که از صمیم قلب میگویم: اگر نبود تنها همین آیه مبارکه، کافی بود برای اعجاز سرمدی آخرین کتاب آسمانی خدا، که برای احدی ذره‌ای خلأ باقی نمیگذارد.

اگر شخصی احساس انسانیت و عقلانیت در خود میکند محال است احساس نوعی خلأ نداشته باشد، و این آیه برای هر عبد صادق خدا، تمام خلأهای او را مَلأ[3] میکند، پس بس است برای هر تنها، احساسِ«**أنا جلیس من ذکرنی**![4]»

---

[1] این مقاله پاسخی است به منکرین توسّل که در یک تالار گفتگوی اینترنتی منتشر شده است.

[2] متن استدلال شخص منکر توسّل به آیه شریفه و در ادامه پاسخ استاد.

متن استدلال،متنی است که در کتب وهابیت به عنوان یکی از شبهات رایج و متداول به چشم می خورد و این مقاله در واقع پاسخی است بر همه آن ها: إقامة البراهين على حكم من استغاث بغير الله ، وأصدق الكهنة والعرافين لابن باز ص۲۴؛ كتاب جهود علماء الحنفية في إبطال عقائد القبورية ص۱۰۵۹-۱۰۶۰؛كتاب بيان حقيقة التوحيد الذي جاءت به الرسل ودحض الشبهات التي أثيرت حوله لصالح بن فوزان بن عبد الله الفوزان، ص۳۵-36؛ كتاب هذه مفاهيمنا ، ص20؛ كتاب التوسل المشروع والممنوع ، ص۲۶ و ...

[3] پر می کند

[4] محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى عن ابن محبوب عن عبد الله بن سنان عن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر ع قال: مكتوب في التوراة التي لم تغير أن موسى ع سأل ربه فقال ياربّ أقريبٌ أنت منّي فأناجيك أم بعيد فأناديك فأوحى الله عز و جل إليه يا موسى أنا جليس من ذكرني فقال موسى فمن في ستركَ يوم لا ستر إلا ستركَ فقال الذين يذكرونني فأذكرهم و يتحابون في فأحبهم وأولئك الذين إذا أردت أن أصيب أهل الأرض بسوء ذكرتهم فدفعت عنهم بهم.(الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج2 ؛ ص۴۹۶-۴۹۷)

ترجمه:امام باقر علیه السلام فرمودند در توراتی که تحریف نشده است این عبارت آمده است که موسی علیه السلام از پروردگار خود پرسید که ای رب! تو نزدیکی تا با تو نجوا کنم ای دوری که تو را ندا دهم؟خداوند عز و جل به موسی وحی کرد که ای موسی من همنشین کسی هستم که مرا یاد کند.

آیه شریفه؛تمامیت اقتضاء ای تمامیت انجاز؟

آیه شریفه؛تمامیت اقتضاء ای تمامیت انجاز؟

و اکنون این سؤال مطرح است که آیا این آیه شریفه دالّ بر تمامیّت اقتضاء[1] است یا دال بر تمامیّت إنجاز[2]؟

---

[1] اقتضاء در اصل،اصطلاحی فلسفی است در فضای بحث علت و معلول.علت،پدیدآورنده شیئ است.

اما گاهی پیدایش معلول از علت، متوقف بر وجود حالت و کیفیت خاصی است، در این صورت ذات علّت را مقتضی یا سبب، و حالت و کیفیت لازم را شرط می‌نامند.(آموزش فلسفه،ج۲،ص ۲۰)

گاهی نیز وجود امری مانع از به وجود آمدن معلول می شود که در این صورت آن را مانع می خوانیم.

[2] نجز الوعد و الحاجة ينجز نجزا و أنجزته و أنجزت به أي عجّلت و وفيت به (كتاب العين ؛ ج6 ؛ ص71)یعنی به آن چه وعده داده بود وفا کرد.انجاز به معنای تمام کردن کار است.در مقابل مقتضی که منوط به وجود شرط و فقدان مانع است، انجاز یعنی تام و تمام بودن علت به نحوی که متوقف بر وجود شرط یا عدم مانعی نباشد.

یک مثال:

برای توضیح این سؤال، مثالی عرض می‌کنم که امروزه می‌توانیم واژه‌های به کار رفته در آن را خوب درک کنیم:

یک سلطان به تمام افراد مملکت اعلان می‌کند که **من یک خط آنلاین برای شخص خودم گذاشته‌ام،** و تمام درخواست‌های تک‌تک افراد ملت را خودم پاسخگو هستم، کافی است هر فردی شماره ۱ را بگیرد و با خودم صحبت کند و من درخواست او را انجام دهم.

مانع

اکنون همین سلطان اعلان می‌کند: هر کس با من تماس بگیرد و درخواستی داشته باشد، اگر در آن روز محکوم به دزدی اثبات شده باشد، من در آن روز درخواست او را انجام نمی‌دهم.

آیا عقلاء بشر، به این سلطان می‌گویند آقای سلطان چرا تناقض می‌گویی؟!یک دفعه می‌گویی خط آنلاین گذاشته و پاسخ همه را می‌دهم، ولی سپس اعلان می‌کنی هر کس دزدی کرده درخواستش را انجام نمی‌دهم!

جواب واضح است، هیچ عاقلی این را تناقض نمی‌بیند، می‌گوید: اعلان دعوت آنلاین، دال بر تمامیت اقتضاء_پاسخگویی از ناحیه سلطان است، اما منافات ندارد که مانعی خود شخص ایجاد کند تا از لطف سلطان محروم شود.(به لسان علمی، اقتضاء تام است، اما انجاز، منوط به فقد مانع است[1]).

شرط

و نیز اکنون سلطان اعلان می‌کند: هر کس با من تماس بگیرد و درخواستی داشته باشد، اگر در آن روز از اعضای خانواده او به صورت آنلاین، رأی گیری کنیم و اکثر اعضای خانه، رفتار او را در منزل با ساری‌ین، تایید کنند، من درخواست او را انجام می‌دهم، و گرنه انجام نمی‌دهم.

آیا عقلاء بشر، به این سلطان می‌گویند آقای سلطان چرا تناقض می‌گویی؟! یک دفعه می‌گویی خط آنلاین گذاشته و پاسخ همه را می‌دهم، ولی سپس اعلان می‌کنی هر کس اعضای خانواده او به طور آنلاین رفتار او را تایید نکنند من درخواستش را انجام نمی‌دهم!

عقلاء بشر این را تناقض نمی‌بینند، می‌گویند: اعلان دعوت آنلاین، دال بر تمامیت اقتضاء پاسخگویی از ناحیه سلطان است، اما منافات ندارد که برای انجام دادن درخواست شخص، شرطی در کار باشد، و تا آن شرط، موجود نباشد مشمول لطف سلطان نمی‌شود)به لسان علمی، اقتضاء تام است، اما انجاز، منوط به وجود شرط است(

شرط کامل

اکنون سراغ نوع دیگری از شرط(شرط کامل)برویم:

سلطان اعلان می‌کند: هر کس با من تماس بگیرد و درخواستی داشته باشد، اگر دانشجو است و استاد او به صورت آنلاین، تایپ کند خصوصیات درخواست او را، صد امتیاز به درخواست او ضمیمه می‌کنم تا به تناسب آن امتیاز، درخواستش را انجام دهم.

آیا عقلاء بشر، به این سلطان می‌گویند آقای سلطان چرا تناقض می‌گویی؟! یک دفعه می‌گویی خط آنلاین گذاشته و پاسخ همه را می‌دهم، ولی سپس اعلان می‌کنی هر دانشجویی که استاد او به طور آنلاین خصوصیات درخواست او را تایپ کند من به درخواستش امتیاز می‌دهم!

هیچ عاقلی این را تناقض نمی‌بیند، می‌گوید: اعلان دعوت آنلاین، دال بر تمامیت اقتضاء پاسخگویی از ناحیه سلطان است، اما منافات ندارد که برای انجام دادن درخواست شخص، شرط کامل و امتیازدهی حکیمانه در کار باشد، و تا آن شرط، موجود نباشد مشمول آن امتیاز نمی‌شود.(به لسان علمی، اقتضاء تام است، اما انجاز به نحو کامل، منوط به وجود شرط کامل است)

نکته بسیار مهم

نکته بسیار مهم این است، که سلطان می‌گوید: دست من باز است و می‌توانم تایپ ای عدم تایپ استاد و غیر او و امور دیگر را در کنم، و اینها را که گفتم به جهت این نبود که مثلا تایپ استاد، کار را تمام می‌کند، بلکه نهایتاً خود من باید تصمیم بگیرم!

---

[1] به عبارت ساده تر:زمینه پاسخگویی از ناحیه سلطان به صورت کامل فراهم است.اما برای تحقق پاسخگویی در خارج،مانعی هست که نمی گذارد پاسخگویی به سرانجام برسد.این مانع عبارت است از دزدی شخص.

تطبیق مثال بر آیه شریفه

حال به این آیه سراپا نور بنگریم:

وإذا سألك عبادي عني فإني قريب أجيب دعوة الداع إذا دعان فليستجيبوا لي وليؤمنوا بي لعلهم يرشدون (بقره186)

ترجمه:
و هنگامی كه بندگان من از تو درباره من سؤ ال كنند بگو من نزديكم ! دعای دعا كننده را به هنگامی كه مرا می خواند پاسخ می گويم ، پس آنها بايد دعوت مرا بپذيرند و به من ايمان بياورند تا راه يابند.

مانع استجابت دعا

اگر خدای سبحان به دنبال این دعوت بفرماید: هر کس در روزی که دعا میکند اگر غیبت بردار مؤمن خود کرده که من در قرآن توضیح دادم که گوشت مرده او را خورده، من در آن روز دعای او را مستجاب نمیکنم! (یعنی غیبت کردن مانع استجابت دعا است)
آیا عقلاء بشر، بین این دو، تناقض میبینند؟! هرگز چنین نیست، و احدی این را تناقض به حساب نمیآورد.

شرط استجابت دعا

و نیز اگر خدای سبحان به دنبال این دعوت بفرماید: هر کس در روزی که دعا میکند اگر نماز واجبش را نخوانده باشد، من در آن روز دعای او را مستجاب نمیکنم! (یعنی خواندن نماز واجب، شرط استجابت دعا است به عنوان مثال)آیا کسی، بین این دو، تناقض میبینند؟! هرگز!

شفاعت اولیای خدا؛شرط کمال استجابت دعا

و همچنین اگر خدای سبحان به دنبال این دعوت بفرماید: هر کس که دعا میکند اگر یکی از اولیای من نزد من برای او شفاعت کند، من به دعای او امتیاز خاص میدهم، ولی شفاعت کردن او و قبول شدن شفاعتش، همه و همه مشروط به اذن من است، و دست من را نمیبندد! (یعنی توسل به اولیاء خدا، شرط کمال دعا و استجابت است)

آیا هیچ عاقلی، بین این دو تناقض میبیند؟! هرگز! اگر دانشجو در مثال قبلی، به استادش زنگ بزند و بگوید جناب استاد خواهش میکنم با سلطان تماس بگیرید و به صورت آنلاین من را تایید کنید، آیا سلطان به این دانشجو عتاب میکند که چرا به غیر من زنگ زدی، مگر من نگفتم خود من آنلاین آماده پاسخگویی هستم؟! هرگز! این مسیری است که خود سلطان، تعیین فرموده است[1].

اللهم اجعلنا من الذين يجدونک قريبا تجيب دعوتهم، و من الذين يبتغون اليک الوسيلة ايهم أقرب[2]

---

[1] شرط کمال بودن شفاعت اولیا را به وضوح می توان در این آیه دید:

و ما أرسلنا من رسول إلا ليطاع بإذن الله و لو أنهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤك فاستغفروا **الله** و استغفر لهم الرسول لوجدوا **الله توابا** رحيما(سوره نساء،آیه ۶۴)

اگر آن ها هنگامی که به خود ظلم کردند به سراغ تو می آمدند(ای پیامبر)پس **از خداوند** درخواست بخشش می کردند و **پیامبر** نیز برای آن ها **از خداوند** طلب بخشش می کردند، **خداوند** را **پذیرنده توبه** و رحیم می یافتند.

در این آیه واژه خداوند خود راهی برای تضمین قبولی توبه گناه کاران ارائه فرموده است.

ثانیا پیامبر نیز از خداوند درخواست توبه می کند.

ثالثا در پایان کار این خداست که توبه را می پذیرد و پاسخگویی از سوی او به مرحله انجاز و تمامیت می رسد.

در زیارت حضرت رسول نیز می خوانیم : جئتك يا رسول الله زائرا و قصدتك راغبا متوسلا **بك إلى الله** و أنت صاحب الوسيلة و الفضيلة و المنزلة الجليلة و الشفاعة المقبولة و الدعوة المسموعة فاشفع لي إلى الله عز و جل في الرحمة و التوفيق و العصمة و التسديد فقد غمرتني الذنوب و شملتني العيوب و كثرت الآثام و تضاعفت الأوزار و أثقلت الخطايا ظهري و أفنت المعاصي عمري و قد أخبرتنا و خبرك الصدق عن الله تعالى أنه قال و قوله الحق و لو أنهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيما

و ها أنا يا رسول الله قد جئت إليك مستغفرا من ذنوبي تائبا من معاصي نادما على سيئاتي تائبا من خطاياي متوجها بك إلى الله فاشفع لي يا شفيع الأمة و أجرني يا نبي الرحمة و **استغفره يغفر لي** و **استرحمه يرحمني** و **يتوب علي** و أسأله سماع ندائي و إجابة دعائي - ثم اقرأ سورة القدر إحدى عشرة مرة ثم توجه إلى القبلة فهي وجه الله و قل **اللهم إليك ألجأت أمري** و إلى قبر نبيك محمد أسندت ظهري و إلى القبلة التي ارتضيت لمحمد استقبلت بوجهي اللهم إني لا أملك لنفسي خير ما أرجو لا أدفع عنها شر ما أحذر و **الأمور كلها بيدك** و لا فقير أفقر مني إني لما أنزلت إلي من خير فقير اللهم إني أعوذ بك أن تبدل اسمي أو تغير جسمي أو تزيل نعمتك عني اللهم زيني بالتقوى و جملني بالنعمة و اغمرني بالعافية و ارزقني شكر العافية اللهم **إني أسألك أن تصلي على محمد و آل محمد و أن تغفر لي سالف جرمي و تعصمني من المعاصي في مستقبل** عمري(بحارالانوار،ج ۹۷، ص ۱۷۰)

[الإختصاص]،الصدوق عن ماجيلويه عن عمه عن البرقي عن ابن أبي نجران عن العلاء عن محمد عن أبي جعفر عليه السلام قال قال جابر الأنصاري :قلت لرسول الله صلى الله عليه و آله ما تقول في علي بن أبي طالب فقال ذاك نفسي قلت فما تقول في الحسن و الحسين قال هما روحي و فاطمة أمهما ابنتي يسوؤني ما ساءها و يسرني ما سرها أشهد الله أني حرب لمن حاربهم سلم لمن سالمهم يا جابر! إذا أردت أن تدعو الله فيستجيب لك فادعه بأسمائهم فإنها أحب الأسماء إلى الله عز و جل(بحار الانوار،ج ۹۱،ص ۲۱)

دعوات الراوندي ،عن النبي صلى الله عليه و آله :اللهم إني أتوجه إليك بمحمد و آل محمد و أتقرب بهم إليك و أقدمهم بين يدي حوائجي اللهم إني أبرأ إليك من أعداء آل محمد و أتقرب إليك باللعنة عليهم

و في دعائهم عليهم السلام اللهم إن كانت ذنوبي قد أخلقت وجهي عندك و حجبت دعائي عنك فصل على محمد و آل محمد و استجب لي اي رب بهم دعائي

و عن سماعة بن مهران قال قال أبو الحسن عليه السلام :إذا كانت لك حاجة إلى الله فقل اللهم إني أسألك بحق محمد و علي فإن لهما عندك شأنا من الشأن و قدرا من القدر فبحق ذلك الشأن و بحق ذلك القدر أن تصلي على محمد و آل محمد و أن تفعل بي كذا و كذا. (مهان،ص ٢٣)

[2] و بعد از اين مطلب،پاسخ از سوى شخص مقابل دريافت نشد...